

چالش‌های اجرایی نظریه مسئولیت حمایت با نگاهی به وضعیت لیبی و سوریه

سید باقر میرعباسی^۱ - عقیل محمدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳

چکیده

طرح نظریه مسئولیت حمایت در سال ۲۰۰۱، پاسخی به ضعف نظام بین‌المللی در واکنش مناسب به ارتکاب نقض‌های عمده حقوق بشر در سرزمین‌هایی چون رواندا، بوسنی و کوزوو بود. این نظریه در تلاش برای بازتعریف مفهوم حاکمیت ملی و کارکرد دولت‌ها در قالب «حاکمیت به مثابه مسئولیت» و طرح یک چارچوب مفهومی جدید برای واکنش به موقع و قاطع به اعمال خشونت‌بار، به سرعت توانست در مباحث بین‌المللی جایگاه خاصی یابد. اما به تدریج و همزمان با وقوع بحران‌های جدید انسانی بویژه آنچه که در لیبی و سوریه رخ داد، آشکار شد که این نظریه علاوه بر ابهامات و پیچیدگی‌های مفهومی، در مرحله اجرا نیز با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است که ابهام در اجماع کشورها نسبت به تبدیل این نظریه به یک قاعده بین‌المللی، اختلاف نسبت به دامنه مصادیق تحت شمول و توجیه مداخله در کشورهای تحت پوشش مسئولیت حمایت مهمترین آنها محسوب می‌شوند. در این نوشتار ضمن بررسی ابعاد استناد به نظریه مسئولیت حمایت در لیبی و سوریه، چالش‌های مذکور تبیین و در پایان استدلال می‌شود که نظر به ضعف‌های این نظریه در حوزه‌های نظری و عملی، ترسیم یک چشم‌انداز روشن برای موفقیت آن در آینده دشوار خواهد بود.

mirabbassi@parsilo.com

۱. استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران

mohammadiaghil10@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

واژگان کلیدی: مسئولیت حمایت، امنیت انسانی، لیبی، سوریه، حقوق بشر.

۱. مقدمه

آغاز مباحث مربوط به نظریه مسئولیت حمایت به سال ۲۰۰۰ میلادی و گزارش هزاره کوفی *عنان*؛ دبیرکل سازمان ملل در آوریل آن سال به مجمع عمومی برمی گردد که در بخشی از آن آمده است: «... اگر مداخله بشردوستانه در حقیقت یک حمله غیر قابل قبول نسبت به حاکمیت کشورهاست، پس چگونه می توانیم در مقابل *رواندا*، *سربریتسا* و نقض های فاحش و سیستماتیک حقوق بشر که تمامی جنبه های بشریت را مورد آسیب قرار می دهند، پاسخگو باشیم؟»^۱ البته پیش از این و در سال ۱۹۹۹ کوفی *عنان* از جامعه جهانی درخواست کرد که به منظور حفظ اصول منشور ملل متحد و دفاع از انسانیت مشترک اقدام کنند.^۲ به دنبال درخواست دبیرکل، کمیسیون بین المللی مداخله و حاکمیت کشور طی گزارشی در سال ۲۰۰۱، ایده ای را تحت عنوان «مسئولیت حمایت» با هدف حمایت از افراد در محیط ملی از طریق سازوکارهای بین المللی حمایت از حقوق بشر ارائه کرد (فلسفی، ۱۳۹۴: ۲۳۸). در نتیجه گزارش، رویکرد جامعه بین المللی تا حدود زیادی نسبت به مفهوم مداخله بشردوستانه تغییر کرد. نکته برجسته در این نظریه، تلاش برای طراحی فرمولی است که با کنار گذاشتن مداخله بشردوستانه، سازماندهی مداخله ای است که تحقق رویکرد قربانی محور است. در حالی که در مداخله بشردوستانه اولویت ها و منافع دول مداخله کننده غالب می باشد. مسئولیت حمایت به عنوان یک نظریه بین المللی که عنوان پویایی خود را طی می کند، نیازمند این بود که با گذشت زمان قوام بیشتری یافته و از سوی دولت ها مورد توجه قرار گیرد. در این راستا، بلندترین گام اجلاس سران جهان، سپتامبر ۲۰۰۵ برداشته شد و نظریه مذکور که شامل مسئولیت های پیشگیری، واکنش و بازسازی می باشد، رسماً در بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ سند پایانی مورد پذیرش ملل متحد قرار گرفت.^۳ بعد از سال ۲۰۰۵، این نظریه به سرعت در دیگر اسناد بین المللی همچون قطعنامه های مجمع عمومی، شورای امنیت و گزارشات دبیرکل ملل متحد انعکاس یافت. در حوزه عمل نیز در چندین مورد شاهد استناد به این نظریه برای حمایت از جمعیت غیرنظامی بوده ایم که آخرین مورد آن، در سال

1. UN Doc. A/54/2000, 2000: 35.

2. UN Doc. Press Release, SG/SM/7136, GA 9596, 1999.

3. UN Doc A/RES/60/1, 2005: 138, 139.

۲۰۱۱ و در لیبی، پس از آن در سوریه صورت گرفت. این صورت‌بندی سریع نظریه مانع از آن نشد که جامعه بین‌المللی چشم خود را بر چالش‌ها و موانعی که پیش‌روی اجرای این نظریه قرار دارد، ببندد. واقعیت این است که علاوه بر ابهامات ساختاری موجود در نظام حقوقی بین‌المللی، اندیشه امنیت انسانی از تعارضات مفهومی بنیادینی رنج می‌برد که خود باعث می‌شود قابلیت‌های آن برای اینکه بتوان بدان به‌عنوان یک مبنای جدید جهت تضمین مشترکات جهانی استناد کرد، به مرور زمان کاهش یابد (وکیل، ۱۳۹۰: ۴۴۵). با این توصیف، به منظور تبیین و بررسی موضوع این پژوهش، مطالب در دو بخش عمده بیان می‌شود: نخست به نحوه بهره‌گیری از این نظریه در دو کشور لیبی و سوریه پرداخته و در ادامه مهمترین چالش‌های اجرایی این نظریه در قالب سه عنوان مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲. مسئولیت حمایت در لیبی و سوریه

در میان بحران‌های انسانی که از سال ۲۰۱۱ دامن‌گیر برخی از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا شد، وضعیت لیبی و سوریه توجه جامعه بین‌المللی را بیشتر به خود جلب نمود، به نحوی که بار دیگر بحث حمایت از غیرنظامیان در قالب نظریه مسئولیت حمایت مطرح شد که در ادامه به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود.

۲-۱. مسئولیت حمایت در لیبی

در سال ۲۰۱۱ و به دنبال اعتراض وسیع مردم به سیاست‌های دولت معمر قذافی، حکومت مرکزی تصمیم به سرکوب شدید معترضان گرفت. به تدریج، آشوب‌های داخلی به سمت نبردی سنگین میان دو طرف سوق یافت که خود واکنش بسیاری را به دنبال داشت. اتحادیه آفریقا و سازمان همکاری اسلامی طی بیانیه‌هایی خواستار پایان یافتن درگیری‌ها و حل و فصل بحران شدند. در این رابطه حتی اتحادیه عرب در ۲۲ فوریه ۲۰۱۱ عضویت لیبی در این اتحادیه را تا پایان یافتن آشوب تعلیق کرد (Bellamy & Williams, 2011: 839). شورای امنیت نیز وضعیت لیبی را در دستور کار خود قرار داد و نخستین قطعنامه خود را در تاریخ ۲۶ فوریه ۲۰۱۱ به تصویب رساند. این قطعنامه بی‌سابقه نظریه مسئولیت حمایت را مورد اشاره قرار می‌دهد؛ شورا ضمن یادآوری مسئولیت مقامات لیبی برای حمایت از مردم، خواستار توقف خشونت‌ها و پذیرش

خواسته‌های مشروع مردم، تضمین امنیت خروج اتباع خارجی از لیبی و عبور کمک‌های بشردوستانه شد. تحریم تسلیحاتی و مالی، ممنوعیت سفر و ارجاع وضعیت لیبی به دیوان بین‌المللی کیفری از دیگر بندهای اجرایی این قطعنامه بود.^۱ عدم توقف خشونت‌ها باعث شد که شورای امنیت اقدام به صدور قطعنامه دوم نماید. این قطعنامه ضمن اشاره به مسئولیت مقامات لیبی جهت حمایت از مردم و همچنین تأکید بر مسئولیت اولیه طرفین محاصمه؛ اتخاذ گام‌های عملی جهت تضمین حمایت از غیرنظامیان، به دول عضو ملل متحد اجازه می‌دهد که همه اقدامات لازم به جز بکارگیری نیروهای اشغالگر خارجی در سرزمین لیبی انجام دهند. در این قطعنامه همچنین نسبت به ایجاد یک منطقه پرواز ممنوع در لیبی نیز تصمیم‌گیری شد.^۲ در ارتباط با مسئولیت حمایت در لیبی، دبیر کل ملل متحد بیان داشت که اقدام شورای امنیت و تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ به وضوح، گواه بر اراده جامعه بین‌المللی به انجام مسئولیت حمایت، جهت حمایت از غیرنظامیان در برابر اقدامات دولت است.^۳ البته پیش از تصویب قطعنامه، برخی نهادها و اشخاص همچون دبیر کل ملل متحد نیز به لزوم مسئولیت حمایت در لیبی اشاراتی داشتند (Bellamy & Williams, 2011: 839).

موفقیت نظریه مسئولیت حمایت در لیبی و آینده آن، مخالفان و موافقان دارد. برخی حادثه لیبی را موفق‌ترین مصداق اجرای مسئولیت حمایت می‌دانند و بر این باورند که این نظریه در شکل‌گیری یک پاسخ جهانی به جنایات واقعی در لیبی نقش مهمی را ایفا کرده است (Bellamy, 2011: 263). همچنین بیان شده است که موفقیت نظامی در لیبی به تنهایی جهت توجیه این نتیجه که اجرای مسئولیت حمایت با موفقیت همراه بود، کافی است. البته باید توجه داشت تنها چنین موفقیتی نبود که موجب شد نظریه مذکور از اهمیت برخوردار شود بلکه واکنش مناسب به وضعیت لیبی جنبه‌های جدیدی نیز داشت که به دستاوردهای این نظریه افزود (Zifcak, 2012: 10). در مقابل، برخی دیگر نظر داده‌اند که وضعیت لیبی نشان داد شانس موفقیت برای استناد به مسئولیت حمایت در آینده به‌عنوان مبنای مداخله نظامی به نحو قابل توجهی کاهش یافته است (Morris, 2013). (1266) البته برخی همزمان با درگیری‌ها، باور داشتند که اگر چه موفقیت در لیبی باعث تقویت نظریه خواهد شد اما اگر عملیات موفق نشود، قطعاً منتقدین این نظریه به شدت انتقادات خود می‌افزایند و این مسئله، تصمیم‌گیری در خصوص نحوه مقابله با بحران‌های بشری و بشردوستانه در آینده را با

1. U.N. Doc. S/RES/1970, 2011.

2. U.N. Doc S/RES/1973, 2011: Preamble, paras. 4, 5.

3. U.N. Press Release, SG/SM/13454, 2011.

مشکل مواجه می‌کند (Weiss, 2011: 287).

عملکرد ناتو مهمترین دلیل تردید برخی نسبت به موفقیت مسئولیت حمایت در لیبی بود. پس از تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ نیروهای ناتو به منظور ایجاد یک منطقه پرواز ممنوع وارد خاک لیبی شدند. نکته مهم در حادثه لیبی: «ضعف‌های مهمی است که در شیوه مداخله ناتو وجود داشت، موضوعی که می‌تواند بر پیشنهادات برای توسل به زور در آینده اثرات منفی متقابلی داشته باشد که اولین نشانه از چنین چیزی در بحران سوریه آشکار شد» (Rieff, 2011: 6). طبق قطعنامه ۱۹۷۳، هدف اقدامات در لیبی تنها باید برای حمایت از غیرنظامیان می‌بود اما عملکرد ناتو و تلاش برای تغییر رژیم حاکم باعث شد که به نوعی صحت دیدگاه آندسته از دولت‌هایی که سال‌ها قبل، از امکان بهره‌برداری سیاسی و توجیه مداخله در کشورهای دیگر با ابزار مسئولیت حمایت سخن گفته بودند، مشخص شود.

به باور برخی، اگرچه شرایط بوجود آمده در لیبی می‌توانست سبب مشروع برای مداخله بشردوستانه باشد، اما وضعیت به گونه‌ای جدی نبود که بتواند به هدف تغییر رژیم مشروعیت ببخشد (Pattison, 2011: 272). تغییر موضع ناتو موجب شد که حتی کشورهای موافق قطعنامه ۱۹۷۳ نیز از ناتو انتقاد نمایند. به اعتقاد آنان محتوای قطعنامه‌ها به هیچ وجه اجازه نمی‌داد که هدف عملیات نظامی، چیزی غیر از حمایت از غیرنظامیان باشد (Zifcak, 2012: 11). ایجاد شکاف در انتظارات، ارتباطات و پاسخ‌گویی میان کسانی که مجوز مداخله داده بودند و مداخله‌کنندگان، به نوعی به اجماعی که در صحن شورای امنیت در ارتباط با اعمال مسئولیت حمایت در لیبی ایجاد شده بود، خدشه وارد ساخت.^۱

در یک ارزیابی کلی از نحوه اعمال نظریه مسئولیت حمایت در لیبی می‌توان گفت که به نظر می‌رسد وضعیت لیبی بیش از آنکه بتواند به‌عنوان یک سابقه درخشان در استناد به این نظریه در بحران‌های آینده و عاملی برای اثبات ظرفیت‌های آن محسوب شود، وجود خطرات و دشواری‌هایی را در مورد اجرای آن به جامعه بین‌المللی گوشزد کرد. اینکه فقدان اجماع جهانی در مورد مسئولیت حمایت همچنان به قوت خود باقی است و هنوز باید مسیری طولانی را طی نمود تا بتوان نظر مساعد همه کشورها را نسبت به این نظریه جلب کرد.

1. Thakur, 2013: 72/Thakur, 2012: available at: <http://mercury.ethz.ch>.

۲-۲. مسئولیت حمایت در سوریه

بر اساس گزارش سال ۲۰۱۱ کمیسیون مستقل تحقیق در مورد سوریه، نقطه آغاز بحران در این کشور زمانی بود که تعداد معدودی از مخالفان دولت در فوریه ۲۰۱۱ ابتدا در خصوص موضوعاتی همچون فقر در روستاها، فساد، آزادی بیان و آزادی زندانیان سیاسی تظاهرات کردند. با گسترش دامنه اعتراضات، مخالفان خواستار احترام به حقوق بشر و انجام اصلاحات در بخش‌های مختلف شدند.^۱ با گذشت زمان معترضین از برکناری رئیس جمهور سخن گفتند و در مقابل، دولت نیز تلاش کرد که با انجام اقداماتی، اوضاع را آرام سازد. اما به تدریج وضعیت در این کشور از آشوب داخلی به سمت مخاصمه مسلحانه کشیده شد و شبه‌نظامیان گروه‌هایی چون القاعده، جبهه‌النصره و همچنین داعش وارد سوریه شده و ضمن تصرف بخش‌هایی از این کشور، وارد نبرد مسلحانه با دولت مرکزی شدند؛ به نحوی که در جریان درگیری‌ها شاهد نقض‌های مکرر و نظام‌مند حقوق بنیادین بودیم. دولت مرکزی هم توانایی مقابله با نیروهای مخالف و حمایت از شهروندان خود را در مناطق تحت تصرف از جمله حلب نداشت (زمانی و زمانیان، ۱۳۹۵: ۶۳۹). در وقوع جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی در این کشور تردیدی وجود ندارد. یکی از مصادیق جنایت جنگی، استفاده از سلاح شیمیایی و گازهای سمی و خفه‌کننده در چندین مورد بود.^۲ شورای امنیت در قطعنامه ۲۱۱۸ نگرانی شدید خود را در خصوص استفاده از سلاح شیمیایی در «ریف»^۳ دمشق در تاریخ ۲۱ آگوست ۲۰۱۳، مستند به گزارش هیأت اعزامی از سوی شورا به سوریه جهت بررسی اتهامات مربوط به استفاده از سلاح شیمیایی^۴ اعلام و کشته‌شدن غیرنظامیان در نتیجه استفاده از این سلاح را محکوم کرد. شورا همچنین بیان داشت که استفاده از این سلاح نقض حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود و کسانی که از آن استفاده کرده‌اند، می‌بایست پاسخگو باشند.^۵ (.) شورا در قسمت دیگری از قطعنامه اشاره می‌کند که استفاده از سلاح شیمیایی، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود و هیچ کدام از طرفین درگیری، مجاز به استفاده از آن نمی‌باشند. در پایان قطعنامه مقرر شد که در صورت عدم پابندی هر یک از

1. U.N. Doc.A/HRC/S-17/2/Add, 2011: para.27.

2. S Rome Statute of International Criminal Court, 1998, Art.8 (b) (xvii), (xviii).

3. Rif.

4. U.N. Doc. A/67/997-S/2013/553, 16 September 2013.

5. U.N. Doc. S/RES/2118, 2013: 1-2.

طرفین درگیری به این قطعنامه به اقدامات فصل ۷ منشور ملل متحد استناد خواهد شد.^۱ شورا همچنین در ۷ آگوست ۲۰۱۵ قطعنامه دیگری را تصویب کرد و ضمن محکومیت استفاده از گازهای سمی مانند: کلر در منطقه خان عسل، نسبت به تداوم کشتار و مجروح شدن غیرنظامیان در اثر استفاده از این گازها ابراز نگرانی کرد. شورا در کنار بیان این مسأله که سازمان منع تسلیحات شیمیایی نتوانسته است در خصوص انتساب مسئولیت استفاده از این تسلیحات به یکی از طرفین؛ به نتیجه خاصی برسد، به وظیفه خود در خصوص شناسایی مسئول این اقدامات اشاره می‌کند.^۲

در جریان مخاصمه، در میان شهرهای سوریه، وضعیت حلب بسیار فاجعه‌بار بود. کشتار وحشتناک غیرنظامیان، خشونت، کمبود غذا و آب آشامیدنی، حمله به مدارس و بیمارستان‌ها و آوارگی ده‌ها هزار نفر، تنها نمونه‌هایی از نقض‌های بیشمار حقوق بشر و بشردوستانه صورت گرفته در این شهر می‌باشند.^۳ استفاده از تسلیحاتی که موجب نقض اصل تفکیک می‌شوند از جمله توپخانه، حملات هوایی، خمپاره‌ها، خودروهای بمب‌گذاری شده و همچنین استفاده از گرسنگی غیرنظامیان به عنوان یک روش جنگی، استفاده گسترده از شکنجه، اعدام‌های خودسرانه، همگی اتفاقات ناگواری هستند که صحنه‌های دلخراشی را بوجود آوردند.^۴ اگر چه حلب در نهایت آزاد شد، اما شورای امنیت بارها نسبت به نقض‌های حقوق انسانی در این شهر هشدار داد. برای نمونه در قطعنامه ۲۳۲۸ از وخیم‌تر شدن وضعیت بشردوستانه و نیاز به کمک‌های بشردوستانه برای تعداد زیادی از ساکنین این شهر و همچنین تلاش برای تخلیه شهر از غیرنظامیان و نظامیان متأثر از جنگ صحبت شده است. شورا همچنین از طرفین می‌خواهد که به پرسنل پزشکی، ابزار و تجهیزات آنان و بیمارستان‌ها احترام گذارند.^۵ موارد فوق از سوی شورای حقوق بشر نیز مورد توجه قرار گرفتند.^۶ در گزارش سال ۲۰۱۵ «کمیسیون تحقیق»، راجع به سوریه آمده است که از ابتدای جنگ تا زمان تهیه این گزارش، صدها هزار نفر کشته شده‌اند و نیمی از جمعیت کشور

1. U.N. Doc. S/RES/2118, 2013: paras.1, 5, 21.

2. U.N. Doc. S/RES/2235, 2016: 1.

3. U.N. Doc. S/2016/1057, 2015: Preamble and Para.4.

4. U.N. Doc. S/RES/2332, 2016: Preamble.

5. U.N. Doc. S/RES/2328, 2016: Preamble, paras.1,6.

6. U.N. Doc. A/HRC/RES/S-25/1, 2016: Preamble, Prars.1, 6.

مجبور به ترک خانه‌هایشان شدند که در نتیجه آن، عده‌ای پناهنده شدند و عده‌ای نیز از شهر خود به شهرهای دیگر سوریه جابجا شده‌اند. دسترسی به بسیاری از مردم دشوار شده است و همین امر، تلاش جهت حمایت ضروری از آنان را تقریباً غیر ممکن ساخته است (Human Rights Council) (Report, 2015: 3).

نکته‌ای که باید در ارتباط با استفاده از تسلیحات شیمیایی و گازهای سمی در سوریه گفت، این است که اگرچه مشخص نشده است که کدام یک از طرفین از آنها استفاده کرده‌اند، اما استفاده از این تسلیحات، جنایت جنگی محسوب می‌شود و حتی اگر فرض کنیم که نیروهای مخالف از آنها استفاده کردند، ولی حاکمیت نتوانست به تکلیف اولیه خود که همان حمایت از شهروندان در برابر نقض بنیادین حقوق بشر می‌باشد، عمل نماید. همین اتفاق به تنهایی کافی است تا بیان شود که از حیث تئوری، شرایط لازم برای استناد به نظریه مسئولیت حمایت در سوریه فراهم شده بود، هرچند در عمل؛ مداخله نظامی با مخالفت کشورهای چین روسیه و چین صورت نگرفت. در جلسه ۲۱ آوریل ۲۰۱۱ شورای امنیت در خصوص سوریه، کشورهایی چون انگلستان، فرانسه، آلمان و آمریکا در مورد اعمال خشونت علیه تظاهرکنندگان ابراز نگرانی کردند، در حالی که نماینده روسیه معتقد بود که هرگونه مداخله در امور سوریه غیرقابل قبول است.^۱ چند روز بعد و در تاریخ ۲۷ آوریل نیز موضوع سوریه مورد بررسی اعضای شورا قرار گرفت. در این جلسه نماینده آمریکا خواستار توجه دولت به خواسته‌های مردم شد و از جامعه بین‌المللی نیز خواست نسبت به اقدامات دولت واکنش نشان دهد.^۲ توقف فوری سرکوب معترضان، توجه حکومت به درخواست‌های مشروع مردم، پاسخگویی عاملان خشونت و همچنین محکومیت آن از سوی جامعه بین‌المللی به صورت هماهنگ، از سوی نماینده انگلستان مطرح شد.^۳ البته نماینده روسیه بیان داشت: «وضعیت اخیر در سوریه، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب نمی‌شود و کسی نمی‌تواند این واقعیت را منکر شود که خشونت به طور کامل از سوی یک طرف نمی‌باشد و تهدید واقعی برای امنیت منطقه می‌تواند ناشی از مداخله خارجی

1. U.N. Doc. S/PV.6520, 2011.

2. U.N. Doc. S/PV.6524, 2011:4.

3. U.N. Doc. S/PV.6524, 2011: 5.

در این کشور باشد.^۱ نماینده چین هم اشاره داشت که ما امید داریم جامعه بین‌المللی کمک‌سازنده‌ای را در چارچوب منشور ملل متحد انجام دهد.^۲ در ادامه واکنش‌ها به وضعیت سوریه، در ۲۱ جولای ۲۰۱۱، مشاوران ویژه دبیرکل در خصوص پیشگیری از ژنوساید و مسئولیت حمایت، بیانیه‌ای در مورد سوریه صادر کردند و ضمن اشاره به این موضوع که میزان و شدت خشونت در سوریه نشان‌دهنده امکان وقوع جنایات علیه بشریت در این کشور می‌باشد، از دولت سوریه درخواست کردند که به مسئولیت خود در زمینه حمایت از مردم عمل نماید.^۳ مخالفت جدی برخی کشورها بویژه ایران، چین و روسیه و مسائلی که به دنبال مداخله ناتو در لیبی بوجود آمد، از مهمترین دلایل عدم مداخله نظامی تحت پوشش نظریه مسئولیت در سوریه محسوب می‌شوند.

چین و روسیه به شدت با هرگونه مداخله نظامی مخالفت خود را نشان دادند و در چندین مورد پیش‌نویس قطعنامه‌های تهیه شده توسط دیگر اعضای شورا از جمله پیش‌نویس قطعنامه تهیه شده توسط فرانسه، آلمان، پرتغال و انگلستان که نقض‌های سیستماتیک و فاحش حقوق بشر توسط مقامات سوریه را محکوم می‌کردند.^۴ را وتو نمودند. این دو کشور در قضیه لیبی معتقد بودند که ناتو پا را فراتر از قطعنامه‌های شورا گذاشت و به نوعی از مفاد آنها سوء استفاده کرده است. همین امر کافی بود که دول مذکور در خصوص سوریه با دقت بیشتری مسائل را رصد نمایند و مانع هرگونه مداخله نظامی در این کشور شوند. البته روسیه و چین در اظهاراتشان در شورا اعلام کردند که نگرانی‌های آنان صرفاً محدود به تعمیم وضعیت لیبی به سوریه نیست، بلکه موارد متعدد عملکرد مداخله‌جویانه دول غربی نیز بخشی از این نگرانی‌ها می‌باشد (Morris, 2013: 1276). نماینده روسیه در شورای امنیت نظر داد که وضعیت در سوریه می‌بایست با نگاه به وضعیت لیبی، بررسی شود. در جریان ایجاد منطقه پرواز ممنوع در لیبی، بسیاری از اماکن غیرنظامی همچون پالایشگاه‌های نفت تخریب شدند. نماینده روسیه در سازمان ملل نیز بیان داشت که اینگونه شیوه‌های اقدام باید یکبار و برای همیشه از رویه‌های جهانی استثنا شوند. روسیه معتقد

1. U.N. Doc. S/PV.6524, 2011: 7.

2. U.N. Doc. S/PV.6524, 2011: 8.

3. U.N. Doc. Press Release, 21 July 2011.

4. U.N. Doc. S/2011/612, 4 October 2011.

بود که جامعه بین‌المللی می‌بایست نسبت به این موضوع آگاه باشد که وضعیت در لیبی می‌تواند مدلی برای اقدامات آینده ناتو در اجرای مسئولیت حمایت باشد.^۱ دیگر اعضای شورا نیز به صورت محدود به مسئولیت حمایت استناد کردند. از اکتبر ۲۰۱۱ تا آوریل ۲۰۱۳، در آن جلساتی که وضعیت سوریه مورد توجه شورای امنیت قرار گرفت، تنها ۷ دولت عضو به طور صریح یا ضمنی به این نظریه اشاره کردند. نکته مهم این است که اگرچه، برخی دولت‌ها همچون فرانسه، برزیل و ژاپن بر مسئولیت دولت سوریه برای حمایت از مردم تأکید داشتند، اما هیچ دولتی به مسئولیت واکنش نظامی اشاره نکرد و کلمیا نیز که در قضیه لیبی، به نحو جدی از مسئولیت حمایت دفاع کرده بود، در بحران سوریه بسیار محتاط‌تر عمل کرد (Morris, 2013: 1276). در سال ۲۰۱۵ بار دیگر موضوع مسئولیت حمایت در سوریه مطرح شد. شورای امنیت در مقدمه قطعنامه ۲۲۵۴ به ابراز نگرانی عمیق خود نسبت به رنج مستمر مردم، وخیم‌تر شدن وضعیت بشردوستانه، خشونت بسیار و ویرانی وسیع کشور می‌پردازد و از همه طرفین می‌خواهد که گام‌های لازم جهت حمایت از غیرنظامیان را بردارند و البته مسئولیت اولیه حمایت از مردم با حاکمیت می‌باشد.^۲ این قسمت از قطعنامه به روشنی به مسئولیت پیشگیری در نظریه مسئولیت حمایت اشاره دارد که بر اساس آن، پیش از اقدام جامعه بین‌المللی، این حاکمیت ملی است که می‌بایست به تکلیف خود در زمینه حمایت از شهروندانش در برابر نقض‌های بنیادین حقوق انسانی عمل کند. با توجه به این قطعنامه، شاهد تحقق مسئولیت واکنش در قالب اقدامات غیرنظامی در سوریه نیز هستیم. بر اساس گزارش مسئولیت حمایت، مسئولیت واکنش در برگیرنده دو سری اقدامات اجرایی می‌باشد: نخست: اقدامات سیاسی و دیپلماتیک، اقتصادی و به طور کلی اقدامات کمتر قهرآمیز و دوم: مداخله نظامی.^۳ در قطعنامه مذکور از تلاش‌های دیپلماتیک گروه بین‌المللی حمایت از سوریه برای پایان‌بخشیدن به مخاصمه سخن گفته شده است و از دبیرکل ملل متحد نیز خواسته شده که در راستای آتش‌بس تلاش کنند. شورا همچنین تأکید کرده است که دولت‌های عضو ملل متحد از تلاش‌ها جهت دستیابی به آتش‌بس حمایت کنند و در راستای

1. U.N. Doc. S/PV.6627, 2011: 4.

2. U.N. Doc. S/RES/2254, 2015: Preamble.

3. Report of ICISS, 2001: 4, 7, 8, 9, 18.

ممانعت و سرکوب فعالیت‌های تروریستی اقدامات لازم را اتخاذ نمایند.^۱ (نشانه‌هایی از توجه به مرحله سوم نظریه مسئولیت حمایت، یعنی مسئولیت بازسازی نیز در قطعنامه دیده می‌شود، از جمله انتقال سیاسی و حمایت از برگزاری انتخابات آزادانه و عادلانه تحت نظارت سازمان ملل در مدت ۱۸ ماه (U.N. Doc. S/RES/2254, 2015: paras.1-4). مطالب فوق به روشنی نشان می‌دهد که قطعنامه ۲۲۵۴ در راستای تحقق اهداف مسئولیت حمایت در سوریه گام برداشته است، هر چند عوامل سیاسی مانع این امر شد. به طور کلی در ارتباط با بحث مسئولیت حمایت در سوریه می‌توان گفت که وضعیت در این کشور، ابعاد جدیدی از نظریه مسئولیت حمایت و همچنین ضعف‌های این نظریه را یکبار دیگر آشکار ساخت. وضعیت سوریه و تفاوت دیدگاه دولت‌ها بویژه قدرت‌های بزرگ در خصوص مداخله در این کشور برآیند اختلاف شدید دولت‌ها در باب ماهیت این نظریه، بویژه در موضوع تعهداتی است که به موجب آن بر دولت‌ها بار می‌شود.

۳. اجرای مسئولیت حمایت: مهمترین چالش‌ها و محدودیت‌ها

در این بخش تلاش می‌شود که به مهمترین چالش‌ها و محدودیت‌های اجرای نظریه مسئولیت حمایت پرداخته شود.

۳-۱. مسئولیت حمایت به‌عنوان یک قاعده بین‌المللی: اجماع یا اختلاف نظر؟

یکی از موضوعاتی که همواره در ارتباط با نظریه مسئولیت حمایت مطرح می‌شود، ماهیت آن می‌باشد. در واقع اگرچه مسئولیت حمایت پارادیم جدیدی از روابط بین‌الملل را عرضه می‌کند که در کنار تأثیرگذاری بر روابط میان دولت‌ها و همچنین روابط میان هر دولت با شهروندان فاجعه‌دیده خود (وکیل، ۱۳۹۰: ۴۲۲)، بر وجود خط‌مشی برای دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های منطقه‌ای به هنگام ارزیابی مداخلات گذشته و آینده نیز تمرکز کرده است (Fiott, 2008: 6)، اما آنگونه که از شواهد بر می‌آید، همچنان تردیدهای فراوانی راجع به ماهیت این نظریه به عنوان یک قاعده بین‌المللی وجود دارد. لزوم واکنش سریع و جدی به نقض‌های بنیادین حقوق بشر در قالب مسئولیت حمایت، همچنان به عنوان یک قاعده حقوق نرم می‌باشد و مشخص نیست که چه زمانی جایگاه یک قاعده سخت را بدست آورد (نجفی اسفاد، ۱۳۹۲: ۳۲۸). شاید

1. U.N. Doc. S/ RES/ 2254, 2015: Preamble, 6,7, 8.

بتوان وجود این تردیدها را به خوبی از این جمله *الکس جی بلیمی* برداشت کرد که بیان می‌دارد: «از مسئولیت حمایت همواره به عنوان یک مفهوم، اصل و هنجار نام برده شده است. بیشتر دولت‌ها، حامیان و حتی منتقدان از اصطلاح "مفهوم" استفاده می‌کنند. *ادوارد لاک*، مشاور ویژه دبیرکل ملل متحد در امور مربوط به مسئولیت حمایت نیز آن را به عنوان یک مفهوم در نظر گرفته است» (Bellamy, 2009: 4-5).

با وجود اینکه کشورها در اجلاس ۲۰۰۵ سران در مورد پشتیبانی از مسئولیت حمایت اتفاق نظر داشتند، اما چه قبل از برگزاری این اجلاس و چه در روند مذاکرات اختلاف دیدگاه‌ها مشهود بود و این امر مخالفت کشورها را با شناسایی مسئولیت حمایت، به عنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل به دنبال داشت (Welsh, 2009: 2). به باور برخی دیگر، اگرچه عده‌ای تلاش کرده‌اند که مسئولیت حمایت را به عنوان قاعده معرفی کنند، اما این نظریه در سازمان ملل حمایت نشده است، به این دلیل که دولت‌ها آن را واجد یک کیفیت قانونی الزام‌آور ندانسته‌اند. البته این موضوع نباید موجب شود که قابلیت‌های این نظریه برای تبدیل شدن به یک قاعده بین‌المللی نادیده گرفته شود (Luck, 2009: 32). در مقابل، عده‌ای پذیرش مسئولیت حمایت در بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ سند اجلاس سران (۲۰۰۵) را از لحاظ تحول هنجاری، یک نقطه عطف دانسته‌اند (Serrano, 2011: 4). دیدگاه برخی کشورها در این خصوص نیز قابل توجه است. به اعتقاد روسیه، ایجاد یک قاعده بین‌المللی نیازمند حمایت گسترده جامعه بین‌المللی است که در خصوص این نظریه وجود ندارد.^۱ این دیدگاه به نوعی برخلاف نظر هیئت عالی رتبه دبیرکل ملل متحد در سال ۲۰۰۴ و همچنین شخص دبیرکل است که از مسئولیت حمایت به عنوان یک «قاعده در حال ظهور»^۲ نام برده‌اند.^۳ البته مطلب اخیر نیز مورد انتقاد برخی دولت‌ها قرار گرفته است. برای نمونه ایران معتقد است که هنوز نتوانسته‌ایم به یک توافق عام در خصوص مفهوم مسئولیت حمایت که به تنهایی ظهور یک قاعده آمرانه را در آن حوزه اجازه دهد، دست یابیم.^۴ هیئت‌های نمایندگی کشورهای آمریکای لاتین، عربی و آفریقایی نزد کمیته بودجه سازمان ملل نیز در سال ۲۰۰۸ به صراحت بیان

1. U.N. Doc. A/59/PV.87, 2005: 6.

2. Emerging Norm.

3. U.N. Doc. A/59/565, 2004: Para.203, A/59/2005, 2005: Para. 135.

4. U.N. Doc A/63/PV.105, 2009: 6.

داشتند که مسئولیت حمایت توسط مجمع عمومی در سال ۲۰۰۵ پذیرفته نشد (Evans, 2008: 288). جالب اینجاست که آمریکا مسئولیت حمایت را به‌عنوان یک مسئولیت اخلاقی معرفی می‌کند.^۱ پس از اجلاس سران تا به امروز نیز مسئولیت حمایت با فراز و نشیب‌های بسیاری روبرو بوده است؛ از یک سو این نظریه در قطعنامه‌های شورای امنیت و گزارش‌های دبیرکل ملل متحد تأیید رسمی شده‌اند و از سوی دیگر همچنان برخی کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه مخالف آن هستند.

در مجموع می‌توان گفت که اگرچه شمول ایده مسئولیت حمایت در سند اجلاس سران، تصدیقی بر یک تغییر نظام مند گسترده در حقوق بین‌الملل بود (Stahn, 2007: 100-101)، اما دیدگاه‌های مطرح در طی اجلاس و بعد از آن در ارتباط با نظریه و همچنین اتفاقاتی که در جریان استناد به این نظریه در برخی بحران‌های بشری صورت گرفت، نشان می‌دهد که اختلاف نظر دولت‌ها و فقدان اراده سیاسی لازم از سوی دولت‌ها موانعی مهم بر سر راه تبدیل این نظریه به یک قاعده بین‌المللی الزام‌آور می‌باشد (Bellamy & Davies, 2009: 547). عملیاتی ساختن مسئولیت حمایت نیازمند تحقق اجماع بین‌المللی در مورد معنا و دامنه این نظریه می‌باشد. اجماع منطقه‌ای بویژه در قالب گنجاندن این نظریه در موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای نقش بسیار مؤثری در موفقیت مسئولیت حمایت دارد. البته این را هم باید در نظر گرفت که که همواره این امکان وجود دارد که قواعد خارجی جدید به دلایلی همچون تردید در سودمندی و همچنین ترس از این موضوع که این قواعد ممکن است موجبات تضعیف باورهای موجود در یک منطقه را به دنبال داشته باشد، با مقاومت بازیگران محلی مواجه شود.

۲-۳. دامنه مصادیق تحت شمول مسئولیت حمایت

بند ۱۳۸ سند پایانی اجلاس سران مقرر می‌دارد: «هر دولتی مسئولیت دارد که از مردمان خود در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایت علیه بشریت حمایت کند».^۲ استفاده از این عبارت در بحث مسئولیت حمایت، نقطه آغازی برای طرح مباحث فراوان پیرامون مصادیق تحت شمول این نظریه در مجمع عمومی و شورای امنیت و همچنین در میان حقوقدانان بین‌المللی

1. Letter from Ambassador Bolton on the Responsibility to Protect, 2005: available at <http://www.responsibilitytoprotect.org>.

2. U.N. Doc. A/RES/60/1, 2005: para.138.

بود. موضوعی که به تدریج به یکی از مهمترین چالش‌های اجرایی مسئولیت حمایت تبدیل شد. عبارت مذکور این سؤال را مطرح می‌سازد که چرا مسئولیت حمایت تنها شامل برخی از جرایم بین‌المللی می‌باشد؟ آیا نمی‌توان در زمان وقوع بلایای طبیعی و بحران‌های زیست‌محیطی عظیم که در نتیجه آنها خسارات فراوانی به انسان‌ها وارد می‌شود، به این نظریه استناد کرد؟ برخلاف سند اجلاس سران، کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت کشور در گزارش خود در سال ۲۰۰۱ مسئولیت حمایت را به جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی و پاکسازی قومی محدود نکرد. طبق گزارش کمیسیون: «جایی که جمعیتی در نتیجه جنگ داخلی، وضعیت همراه با شورش، سرکوب یا ناتوانی دولت، در معرض آسیب جدی قرار داشته باشند و دولت مورد بحث برای توقف یا دفع آن، تمایل نداشته یا ناتوان باشد، اصل عدم مداخله در برابر مسئولیت حمایت رنگ می‌بازد».^۱ گزارش همچنین در تبیین «سبب مشروع»^۲ به‌عنوان یکی از معیارهای مداخله نظامی تنها به دو وضعیت اشاره دارد: «سلب حیات در سطح وسیع که عملاً در حال وقوع باشد یا بیم وقوع آن رود، با نیت عامدانه یا بدون آن که می‌تواند ناشی از اقدام عمدی دولت یا غفلت دولت یا عدم توانایی به اقدام یا وضعیت یک دولت ورشکسته یا پاکسازی قومی در یک مقیاس وسیع که عملاً در حال وقوع باشد یا بیم وقوع آن رود، خواه از طریق کشتن، اخراج اجباری، اعمال ترور یا تجاوز جنسی باشد».^۳ گزارش در ادامه به بیان مصادیق این دو وضعیت می‌پردازد که یکی از آنها «وقوع فجایع زیست‌محیطی یا طبیعی است که در آن، دولت برای مقابله یا درخواست ارائه کمک تمایل ندارد یا ناتوان است و سلب حیات به نحو چشمگیری در حال وقوع است یا تهدید به وقوع صورت گرفته است».^۴ این مطالب به روشنی حکایت از دایره شمول گسترده‌تر مسئولیت حمایت در گزارش کمیسیون در مقایسه با اسنادی دارد که پس از سال ۲۰۰۱ به تصویب رسیدند.

در ارتباط با دامنه مصادیق مسئولیت حمایت، برخی بیان داشته‌اند که حوزه اعمال مسئولیت حمایت باید در همان قالب مورد پذیرش دولت‌ها و به صورت محدود، کاملاً مشخص و شفاف

1. Report of ICISS, 2001: XI.

2. Just Cause.

3. Report of ICISS, 2001: para. 4.19, p. 32.

4. Report of ICISS, 2001: para.4.20. p. 33.

باشد. این موضوع، خود می‌تواند به عنوان یک عامل ضروری در راستای توسعه و موفقیت این نظریه و همچنین جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی از آن محسوب گردد (قادری و قربان‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۰۸). به اعتقاد عده‌ای دیگر، اجرای یک موضوع در عرصه بین‌المللی با هزینه کم، نیازمند اتفاق نظر دولت‌ها در خصوص معنا و تعریف آن می‌باشد. چنین اجماعی در حقوق بین‌الملل معاصر نسبت به ۴ جرم مذکور در سند اجلاس سران وجود دارد و ممنوعیت این جرایم به عنوان قاعده آمره شناخته می‌شود. همچنین با توجه به ماده ۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، منطقی است که جامعه بین‌المللی در مقابل این جرایم به نحو مناسب واکنش نشان دهد و توسل به این نظریه در این شرایط بهترین استراتژی است (سواری و حسینی بلوچی، ۱۳۹۰: ۱۹۲-۱۹۱). درک چنین دیدگاه محدودی زمانی آشکارتر می‌شود که به این نکته توجه داشته باشیم که ماده ۴۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱) نیز از نقض جدی تعهداتی سخن می‌گوید که از قواعد آمره حقوق بین‌الملل ناشی می‌شوند (Konig, 2007: 8).

برخی دیگر از مخالفان گسترش دامنه مصادیق مسئولیت حمایت، هر نوع توسعه صریح یا ضمنی این نظریه فراتر از چهار جرم مذکور را از منظر تضعیف کارایی این نظریه، خطرناک دانسته‌اند. اگر مسئولیت حمایت نسبت به موضوعات دیگری همچون حقوق بشر، امنیت انسانی و وضعیت‌های اضطراری زیست‌محیطی نیز قابلیت اعمال داشته باشد، این امر خطر جدی تضعیف ظرفیت این دکترین برای بسیج اجماع بین‌المللی برای واکنش بحران‌های انسانی را به دنبال خواهد داشت (Evans, 2009: 32). عده‌ای دیگر دلیل مخالفت خود را اینگونه بیان کنند که حقوق بین‌الملل در فضای پس از جنگ جهانی دوم، دانشی عمیقاً واقع‌گرا بوده و هست. شکست ایده‌های آرمان‌گرایانه جامعه ملل در فاصله دو جنگ جهانی، نقش مهمی در این خصوص داشته است. بنابراین حقوق بین‌الملل همچنان در مسأله تحدید حاکمیت دولت‌ها از توانایی محدودی برخوردار است (زمانی و نوری، ۱۳۹۱: ۳۰۰). البته در تأیید ادعای مخالفان می‌توان به نظرات برخی از دولت‌ها در جریان اجلاس ۲۰۰۹ مجمع عمومی اشاره کرد که اعتقاد داشتند توسعه حوزه اعمال مسئولیت حمایت، تنها میزان تأثیرگذاری این نظریه را کاهش خواهد داد (قادری و قربان‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۰۸).

به باور موافقان توسعه مصادیق تحت شمول مسئولیت حمایت، محدود شدن نظریه به این چهار جرم مشخصاً در مغایرت با انتظارات ایجاد شده توسط معاهدات حقوق بشری است. این

معاهدات برای همه مردم یک مجموعه گسترده ای از حقوق فردی را تضمین می کند (Magnuson, 2010: 312). همچنین به باور عده‌ای دیگر، اصول اساسی که مسئولیت حمایت بر آنها بنا شده است، این قابلیت را دارند که نسبت به دیگر مشکلاتی که برای بشریت رخ می دهد نیز اعمال شود (Axworthy & Rock, 2009: 64). وقوع یک طوفان مرگبار در میانمار موجب شد که موضوع امکان استناد به مسئولیت حمایت در بلایای طبیعی به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد. در ۲ و ۳ می ۲۰۰۸ طوفان ویرانگر «نارگیس»^۱ این کشور را در نوردید و منجر به مرگ بیش از ۱۳۸ هزار نفر و بی خانمان شدن حدود ۸۰۰ هزار نفر شد (Haacke, 2009: 156-157). به دنبال وقوع این حادثه، رژیم نظامی حاکم بر میانمار مانع ارائه کمک‌های بشردوستانه بین‌المللی شد. در نتیجه به دنبال شیوع بیماری، گرسنگی و ... به تعداد قربانیان افزوده شد. مهمترین دلیل عدم صدور مجوز ورود کمک‌های بشردوستانه به خاک میانمار، ترسی بود که دولت از تجاوز نیروهای خارج به سرزمینش داشت (Raffelseder, 2011: 36). به دنبال وقوع حادثه، وزیر امور خارجه وقت فرانسه طی بیانیه‌ای درخواست نمود که بر مبنای مسئولیت حمایت نسبت به عملکرد رژیم نظامی حاکم بر میانمار جهت ممنوع ساختن ارائه کمک‌های بین‌المللی واکنش نشان داده شود. به دنبال این اظهارات، موج جدیدی از دیدگاه‌های مخالف و موافق در زمینه قابلیت استناد به دکتترین در بلایای طبیعی بوجود آمد. در واقع این بیانیه باعث شد آن گروه از افرادی که معتقد بودند، مسئولیت حمایت می‌بایست محدود به همان چهار جرم باشد، در مقام پاسخگویی به اظهارات وی برآیند. البته با این حال افراد بسیاری، از اظهارات وزیر امور خارجه حمایت کردند (Axworthy & Rock, 2009: 5). سفیر دولت میانمار در کانادا نسبت به موضع فرانسه اعتراض کرد و بیان داشت: «فرانسه در تلاش خود برای سیاسی نمودن یک بحران بشردوستانه ناگوار در میانمار پافشاری می کند... هدف نظریه مسئولیت حمایت جلوگیری از نسل کشی است، نه برای استفاده در مواقعی که با بلایای طبیعی روبرو هستیم»^۲. با توجه به افزایش شمار قربانیان طوفان با گذشت زمان، مباحثی در خصوص وقوع جنایت علیه بشریت در میانمار مطرح شد. برخی کشورها بیان داشتند که ممنوعیت ارائه کمک‌های بین‌المللی به مردم باعث شد که فاجعه طبیعی به یک فاجعه انسانی تبدیل شود و در نهایت زمینه‌های وقوع جنایت علیه بشریت فراهم شود (Raffelseder,

1. Nargis.

2. Davis, 2008: Available at: <http://www.cigionline.org>.

(2011: 32).

به طور کلی در خصوص اجرای مسئولیت حمایت در فجایع زیست‌محیطی، برخی اشاره کرده‌اند که منتقدان، عدم درج بلایای طبیعی در سند اجلاس سران را اقدامی عمدی از سوی ملل متحد می‌دانند و معتقدند که اعمال مسئولیت حمایت در این موارد نادرست است و باعث ترغیب استفاده از این نظریه در راستای توجیه همه شیوه‌های مداخلات بشردوستانه خواهد شد. نتیجه توسعه دایره مصادیق مسئولیت حمایت، از بین رفتن مشروعیت آن و ایجاد مانع در برابر بکارگیری آن در بحران‌های آینده خواهد بود (Wong, 2009: 245). عدم درج بلایای طبیعی در سند اجلاس سران نشان می‌دهد که هدف مسئولیت حمایت، تنها در مواردی اعمال شود که با یک جنایات بسیار شدید و همچنین مبارزات مسلحانه روبرو هستیم.^۱ در گزارش سال ۲۰۰۹ دبیر کل ملل متحد در مورد مسئولیت حمایت نیز آمده است: «تلاش برای برای تعمیم مسئولیت حمایت برای تحت پوشش قرار دادن فجایع دیگر همچون تغییرات آب و هوایی و بلایای طبیعی، اجماع سال ۲۰۰۵ را تضعیف خواهد کرد و مفهوم مسئولیت حمایت را به فراتر از یک ابزار عملیاتی گسترش خواهد داد».^۲ البته در مقابل، برخی نظر داده‌اند پیام اصلی این نظریه این است از لحاظ اخلاقی نمی‌توان میان یک شخص بی‌گناهی که توسط یک ابزار کشنده به قتل می‌رسد و شخصی که گرسنگی یا بیماری و با عامل مرگ اوست، در حالی که این امکان وجود داشت با یک پاسخ بشردوستانه مناسب از این مرگ جلوگیری شود، تفاوت قائل شد.^۳

در مجموع انتظار می‌رفت که جامعه بین‌المللی در سال ۲۰۰۵ نسبت به بحران‌های انسانی غیر از این چهار جرم نیز چاره‌ای می‌اندیشد، چرا که واقعاً در موضوع میانمار مشخص شد، هنوز جامعه بین‌المللی نتوانسته است به یک سازوکار مناسب برای واکنش به بحران‌های جدی انسانی (به هر علتی باشد) دست باید. اگرچه طرح این نظریه در ابتدا نشان داد که پیشرفت‌های هنجاری جهت دستیابی به هدف فوق‌گرایش دارند، اما گذشت زمان ثابت کرد که چالش مربوط به دامنه مصادیق تحت پوشش این نظریه به‌عنوان یکی از نقاط ضعف آن محسوب می‌شود. در کل اگرچه ما معتقدیم که شمول مسئولیت حمایت نسبت به مصادیق گسترده، خود می‌تواند

1. Thakur, 2008, available at: <http://www.hindu.com>.

2. U.N. Doc. A/63/677, 2009: Para. 10(b).

3. Axworthy, 2008, available at: <http://www.canada.com>.

مشکل ساز باشد، اما حداقل باید پذیرفت که اگر در مواردی همچون بلایای طبیعی، شاهد وقوع یکی از ۴ جرم مذکور بودیم، جامعه بین‌المللی بتواند با استناد به مسئولیت حمایت، اقدام مناسب را اتخاذ کند، هرچند اتخاذ تصمیم نسبت به وقوع این ۴ جرم در چنین مواردی مشکلات خاص خود را دارد.

۳-۳. مسئولیت حمایت: سازگاری برای توجیه مداخله؟

یکی دیگر از مهمترین چالش‌هایی که مسئولیت حمایت در مرحله اجرا با آن روبرو است، امکان توسل به آن به‌عنوان ابزاری برای توجیه مداخله در کشورها می‌باشد. به نحوی که عده‌ای ضمن اشاره به نکته اخیر، به عدم انطباق دستاورد این نظریه با مقررات منشور ملل و متحد و حقوق بین‌الملل عرفی اشاره کرده‌اند (زمانی و زمانیان، ۱۳۹۵: ۶۳۲). دخالت روسیه در گرجستان در سال ۲۰۰۸ تحت لوای مسئولیت حمایت و عملکرد ناتو در لیبی موجب شد که جامعه بین‌المللی پیش از پیش به نقاط ضعف نظریه مسئولیت حمایت بویژه مسأله فوق پی ببرد. در این ارتباط، «بلیمی» بیان می‌دارد که منتقدان مسئولیت حمایت، این نظریه را ساخته و پرداخته دنیای امپریالیزم و خطرناک می‌دانند که می‌تواند حاکمیت ملی و استقلال سیاسی کشورها را تهدید کرده و تضعیف آنها را به دنبال داشته باشد (Bellamy, 2010: 144). برخی دیگر ضمن بحث‌برانگیز خواندن مرحله مسئولیت واکنش در این نظریه، اشاره می‌کنند که عده‌ای معتقدند این نظریه به‌گونه‌ای تدوین شده است که سیاست‌های مداخله‌جویانه را تشویق می‌کند (Badescu & Bergholm, 2009: 288-289). همچنین بیان شده است که با توجه به ترس دول در حال توسعه نسبت به این مسأله که قدرت‌های غربی اقدام به مداخلاتی کنند که صرفاً در ظاهر انسان‌دوستانه محسوب می‌شود، باید گفت که عملیاتی‌ساختن مسئولیت حمایت با مشکل همراه است (Raffelseder, 2009: 43). برخی از حقوقدانان به طور خاص به اعتقاد کشورهای جنوب شرقی آسیا توجه نموده و اشاره می‌کنند؛ با توجه به اینکه این کشورها همچنان بر اصول حاکمیت و عدم مداخله برای ممانعت از مداخلات خارجی تأکید دارند، لذا مسئولیت حمایت در میان آنان با تردید همراه است (Haacke, 2009: 161).

دیدگاه صریح دولت‌ها نیز در این خصوص قابل توجه است. به اعتقاد برخی کشورها، مسئولیت حمایت صرفاً یک سازگاری است که توسط دول قدرتمند، جهت تحمیل منافع و ارزش‌های مورد قبول خود به دول ضعیف‌تر ایجاد شده است و نمی‌توان پذیرفت که این نظریه در یک شرایط

منصفانه جهت حمایت از حقوق بشر اعمال شود و اتفاقاً در راستای تضعیف حاکمیت، آنهم تحت عنوان ملاحظات انسان‌دوستانه هدف‌گذاری شده است (Focarelli, 2008: 202). بررسی‌ها نشان می‌دهد که عمده کشورهایی که به این خطر اشاره کرده‌اند، به طور سنتی به اصول حاکمیت و عدم مداخله پایبندند. برای نمونه دیدگاه ایران این است که مفهوم مسئولیت حمایت باید بیشتر مورد بحث قرار گیرد و به منظور جلوگیری از سوءاستفاده، این مفهوم علیه حاکمیت و تمامیت سرزمینی مورد بازبینی قرار گیرد.^۱ کشورهای چون پاکستان، مصر الجزایر، ونزوئلا، کوبا و برخی دیگر نیز این نظریه را فاقد مبنای حقوقی و در راستای تأمین منافع دول قدرتمند در برابر دول ضعیف دانسته‌اند (Focarelli, 2008: 203).

این چالش از دید دبیرکل ملل متحد هم دور نمانده است و به باور وی اشتباه است که تصور شود مسئولیت حمایت در تضاد با حاکمیت است... مسئولیت حمایت پشتیبان حاکمیت است و نه مخالف آن... حمایت از مردم، یکی از اهداف اصلی تشکیل دولت‌ها و سیستم‌های استعماری می‌باشد. با کمک به دولت‌ها در انجام یکی از مسئولیت‌های اصلی‌شان، مسئولیت حمایت به دنبال تقویت حاکمیت و نه تضعیف آن است.^۲ گزارش ۲۰۰۹ دبیرکل نیز تصریح دارد: «بهترین راه برای ممانعت از سوءاستفاده یک دولت یا گروهی از دولت‌ها از مسئولیت حمایت برای مقاصد نامناسب، توسعه کامل استراتژی، استانداردها، فرایندها، ابزارها و رویه‌های سازمان ملل برای پیشبرد مسئولیت حمایت می‌باشد».^۳ عده‌ای در راستای ارائه راه‌حل برای رفع نگرانی‌های کشورهای در این خصوص، بر این باورند که برخی اقدامات مورد پذیرش از سوی برخی دول غربی همچون مداخله و تحریم نباید بر برنامه‌هایی که نقش مؤثری در پیشرفت کشورها ایفا می‌کنند، اولویت پیدا کند. چرا که این امر تنها مَهر تأییدی بر استنباط‌های موجود در کشورهای آسیا و اقیانوسیه در مورد کارآمد نبودن مسئولیت حمایت و توجیه مداخله نظامی تحت پوشش این نظریه می‌باشد (Bellamy & Davies, 2009: 567).

در پایان لازم است به تئوری «مسئولیت همزمان با حمایت»^۴ نیز اشاره شود. رئیس‌جمهور

1. U.N. Doc. A/63/PV.105, 2009: 6.

2. U.N. Doc. SG/SM/11701, 2008.

3. U.N. Doc. A/63/677, 2009: 1.

4. Responsibility While Protecting.

برزیل در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱ در مجمع عمومی بیان داشت: «امروزه زیاد در مورد مسئولیت حمایت شنیده می‌شود، اما ما کمتر در مورد مسئولیت در زمان حمایت می‌شنویم» (Benner, 2013: 1). این تئوری از سوی برزیل بعد از مداخله ناتو در لیبی مطرح شد. در پیشنهاد برزیل ضمن اشاره به این واقعیت که جهان امروز از نتایج دردناک مداخلات از جمله تشدید مخاصمات موجود، گسترش تروریسم به مناطق بیشتر و افزایش آسیب‌پذیری جمعیت غیرنظامی رنج می‌برد، تصریح شده است: «یک برداشت در حال گسترش وجود دارد مبنی بر اینکه مسئولیت حمایت ممکن است برای اهدافی غیر از حمایت از غیرنظامیان همچون تغییر رژیم مورد سوءاستفاده قرار گیرد. این برداشت ممکن است حتی دستیابی به اهداف حمایتی که از سوی جامعه بین‌المللی دنبال می‌شود را دچار اشکال سازد».^۱ دو رکن اصلی پیشنهاد برزیل این است که باید مجموعه‌ای از معیارهای مبتنی بر احتیاط قبل از صدور مجوز توسل به زور، توسط شورای امنیت مورد بررسی قرار گیرد و دوم اینکه می‌بایست برخی انواع فرایندهای بازنگری و افزایش نظارت این امکان را فراهم می‌سازند که مجوزهای شورای امنیت به صورت جدی توسط اعضای این شورا در طول اجرای این مجوز مورد بحث و بررسی قرار گیرد، وجود داشته باشد. این موضوع به منظور تضمین حفظ اجماع اعضای شورا در طول دوره انجام عملیات نظامی است (Thakur, 2013: 72). پیشنهاد برزیل را می‌توان یک گام جدید برای ارتقای نظریه مسئولیت حمایت دانست که علاوه بر ویژگی‌های فوق، به دنبال معرفی سازکارهایی برای جلوگیری از وقوع بحران انسانی است. مسئولیت همزمان با حمایت بر سه مسأله عمده تأکید دارد: پاسخگویی، ارزیابی و پیشگیری. بیان شده است که این نظریه، مفهوم‌سازی مجدد از نظریه مسئولیت حمایت و درخواست از جامعه بین‌المللی برای بحث در خصوص این موضوع است که مسئولیت حمایت چیست و چگونه می‌تواند به نحو مؤثری جهت حفاظت از زندگی بشر اجرا شود.^۲ در واقع برزیل به دنبال این بوده است که این نظریه جایگزین مسئولیت حمایت شود، بلکه پیشنهاد کرد هر دو نظریه بر مبنای مجموعه‌ای از اصول بنیادین، معیارها و آیین‌هایی همچون دیپلماسی پیشگیری، مداخله نظامی با مجوز شورای امنیت، محدودیت عملیاتی و زمانی توسل به زور، رعایت منطقی و تناسب در مداخله (عدم ایجاد بی‌ثباتی

1. U.N. Doc. A/66/551-S/2011/701, 2011: paras.9-10.

2. Columbia Global Policy Initiative, Conference Report, 2015: 5.

و خشونت بیشتر) و نظارت بر عملکرد دول شرکت‌کننده در مداخله صورت گیرد.^۱ یکی از نکات قابل توجه پیشنهاد برزیل، اشاره به این موضوع است که شورای امنیت باید پاسخگویی کسانی که در مداخله شرکت نموده‌اند، را تضمین نماید.^۲ به باور «فلسفی» اندیشمند ایرانی حقوق بین‌الملل، هدف برزیل این بوده است شورای امنیت نسبت به تسلط بر وضعیت عملیات و عملکرد کسانی که با مجوز این نهاد متوسل به زور شده‌اند، اطمینان یابد و بتواند امکاناتی را برای مسئولیت پاسخگویی که سازمان ملل همواره مدافع آن بوده است، فراهم سازد. در واقع برای اینکه شورا بتواند از وضعیت عملیات آگاه شود، نخست باید توانایی نظارت بر مداخله را داشته باشد و دوم اینکه دول شرکت‌کننده در عملیات به شورای امنیت حساب پس دهند.^۳

به نظر می‌رسد که پیشنهاد برزیل در خصوص پاسخگویی دول شرکت‌کننده در مداخله، پاسخی برای این سؤال باشد که اگر دول شرکت‌کننده در جهت اعمال مسئولیت حمایت، خود مرتکب یکی از چهار جرم مدنظر در نظریه مسئولیت حمایت شوند، چه راهکاری در حقوق بین‌الملل پیش‌بینی شده است؟ اگرچه در نظریه مسئولیت حمایت راهکاری بیان نشده است، اما با توجه به طرح پیشنهادی برزیل، باید گفت که به نظر می‌رسد چنین دولت‌هایی می‌بایست بابت ارتکاب جرایم توسط خود، پاسخگو باشند و شورای امنیت موظف است چنین امری را تضمین نماید، هرچند تحقق چنین چیزی بسیار دشوار است، چرا که شرکت‌کنندگان در مداخله، عمدتاً همان کسانی هستند که مجوز مداخله را صادر نموده‌اند.

در یک ارزیابی کلی از آنچه در این بخش بیان شد، می‌توان اشاره نمود که به نظر می‌رسد اگرچه تولد نظریه مسئولیت حمایت، تلاشی برای پایان‌دادن به یکی از مهمترین چالش‌های مداخلات بشردوستانه تا آن زمان یعنی دخالت در امور کشورها به بهانه حمایت از غیرنظامیان محسوب می‌شود، اما عملکرد برخی کشورها همچون روسیه در مداخله نظامی در خاک گرجستان با استناد به مسئولیت حمایت و به بهانه توقف ژنوساید و همچنین حادثه لیبی، بار دیگر آشکار ساخت که چالش مذکور همچنان حل نشده باقی مانده است و این امر قطعاً میزان شانس

1. U.N. Doc. A/66/551-S/2011/701, 2011: para.11.

2. U.N. Doc. A/66/551-S/2011/701, 2011, para.11 (i).

۳. انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۵: قابل دسترس در: <http://unstudies.ir>.

این نظریه برای تبدیل شدن به یک قاعده بین‌المللی الزام‌آور را به میزان زیادی کاهش خواهد داد. پیشنهاد برزیل با عنوان مسئولیت همزمان با حمایت نیز به گونه‌ای صریح چالش فوق را متذکر می‌شود. در ارتباط با میزان کارآمدی پیشنهاد این کشور نیز باید گفت که با وجود برخی جنبه‌های نوآورانه همچون اشاره به لزوم پاسخگویی کسانی که با مجوز شورا اقدام به مداخله نظامی در کشورها می‌کنند، اما به نظر می‌رسد که این پیشنهاد به دلایل مهمی همچون عدم وجود ابهامات ساختاری در جامعه بین‌المللی نتواند به نحو کامل قابلیت اجرایی پیدا کند؛ کما اینکه از سوی اعضای سازمان ملل هم با استقبال چندانی روبرو نشده است و برای مثال هلند بیان داشته است که پذیرش این نظریه کاهش اقتدار تصمیمات شورای امنیت و خلل در کار صلح و امنیت بین‌المللی را به دنبال خواهد داشت.^۱

۴. نتیجه‌گیری

وقوع حوادث دهشتناک انسانی در دهه نود و عملکرد منفعلانه دولت‌ها در برابر این حوادث، جامعه بین‌المللی را متوجه این موضوع ساخت که امروز بیش از هر زمان دیگری، خلأ وجود یک سازکار کارآمد برای واکنش به بحران‌های جدی انسانی احساس می‌شود؛ مسأله‌ای که باعث طرح نظریه عنوان مسئولیت حمایت شد. اگر از منظر حقوق انسانی به این نظریه پرداخته شود، مشخص می‌شود که مسئولیت حمایت به‌عنوان یک امر نامأنوس برای جامعه بین‌المللی محسوب نمی‌شود، چرا که در طول تاریخ و در همه جوامع، همواره یک قاعده مبنی بر کمک به انسان‌ها مطرح بوده است. مسئولیت حمایت تلاش نموده است که در بستر مفهوم امنیت انسانی که خود بیانگر اندیشه‌های دیرینه‌تری مانند «امنیت جامعه» یا «امنیت اجتماعی» است، (وکیل، ۱۳۹۰: ۴۱۹) و شامل امنیت مادی، تأمین آرمان‌های اجتماعی و محقق‌ساختن اهداف اقتصادی بشریت و همچنین رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی می‌باشد (سرتیپی، ۱۳۸۶: ۶۷)، نگرش جامعه بین‌المللی را راجع به اصول مهمی همچون احترام به حاکمیت دولت‌ها و عدم مداخله تغییر دهد، به گونه‌ای که در تقابل میان حقوق بشر و حاکمیت، پیش‌فرض‌های غالب در راستای نفع بشریت قرار گیرند. اما گذشت زمان ثابت کرد که وجود برخی چالش‌های اجرایی مرتبط با این نظریه، عاملی است که می‌تواند قابلیت استناد به آن، به عنوان یک مبنای نوظهور جهت تضمین اقدام

قاطع و سریع در بحران‌های بشری را تضعیف نماید. فقدان اجماع در مورد ماهیت این نظریه، مهمترین چالشی است که در مسیر عملیاتی ساختن مسئولیت حمایت مطرح است. این فقدان اجماع برآیند اختلاف دیدگاه دولت‌ها در باب تعهداتشان به موجب نظریه است. با گذشت چندین سال از طرح این نظریه و استناد به آن در برخی از مخاصمات، باید گفت که همچنان در قالب هنجار و حقوق نرم در چارچوب نظام ارزشی حقوق بین‌الملل مطرح است. دومین چالش، تعیین دامنه مصادیق تحت پوشش مسئولیت حمایت است که بحث پیرامون آن تقریباً پس از وقوع طوفان میانمار جدی‌تر شد. این اتفاق سؤال مهمی را مطرح کرد که آیا مسئولیت حمایت می‌تواند در بلاای طبیعی و فجایع زیست‌محیطی بویژه زمانی که متوجه شویم در اثر اقدامات عامل انسانی، فاجعه طبیعی به یک فاجعه انسانی تبدیل شده است، اعمال شود؟ آنچه مسلم است، این است که با وجود اینکه اسناد موجود در زمینه مسئولیت حمایت در این خصوص چندان صریح نمی‌باشند و عملکرد چندین دهه گذشته ثابت کرده است که سازمان ملل نمی‌تواند به عنوان یک نهاد تعیین‌کننده در این خصوص عمل نماید، اما در صورتی که ثابت شود حاکمیت ملی در وقوع فجایع زیست‌محیطی و تشدید آن یا ممانعت از ارسال کمک‌های بشردوستانه به دلیل ترس از مداخله دول دیگر در امور داخلی‌اش نقش داشته است، امکان استناد به این نظریه وجود دارد. البته به نظر می‌رسد که حوادث سوریه در سال ۲۰۱۱ و اختلاف دول قدرتمند در ارزیابی از وضعیت موجود در این کشور می‌توانست نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده مسئولیت حمایت در موضوع چالش مذکور مبنی بر اینکه چه مصادیقی می‌تواند در ذیل این نظریه قرار گیرد، ایفا نماید. چالش مربوط به امکان توسل به مسئولیت حمایت به مثابه ابزاری برای توجیه مداخله در امور کشورها را می‌توان بحث‌برانگیزترین موضوع مرتبط با این نظریه دانست. بررسی نظرات دولت‌ها حکایت از این دارد که هنوز مداخلات انسانی از سوی بیشتر کشورها بویژه آنهایی که به طور سنتی همچنان پایبند به اصول حاکمیت و عدم مداخله باقی مانده‌اند، به عنوان یک تهدید برای اصول مذکور و نه سازگاری برای حمایت از بشریت در نظر گرفته می‌شود. به هر حال مسئولیت حمایت این ظرفیت را دارد که با تفاسیر غیردقیق و منفعت‌طلبانه از محتوای خود، سیاست مداخله را تشویق نماید. کما اینکه در موضوع مداخله ناتو در لیبی مشاهده شد که دول غربی ابتدا به منظور اجرای مسئولیت حمایت از غیرنظامیان وارد این کشور شدند، اما با سوءاستفاده از موقعیت پیش آمده، جهت براندازی دولت و تغییر سیاسی در این کشور عمل نمودند و همین مسئله هم موجب شد که

کشورهایی چون روسیه و چین با مداخله نظامی در سوریه تحت پوشش مسئولیت حمایت مخالفت نمایند. البته بحران سوریه و سردرگمی جامعه بین‌المللی بویژه شورای امنیت در مقابله با بحران این کشور، یکبار دیگر نشان داد که این نظریه با نقایص بیشماری چه از لحاظ ساختاری و چه مفهومی برخوردار است. چالش سوم نیز موجب شد برزیل در سال ۲۰۱۱ در پیشنهادی به مجمع عمومی ملل متحد، نظریه جدیدی تحت عنوان «مسئولیت همزمان با حمایت» را مطرح سازد که البته تاکنون چندان مورد پذیرش جامعه بین‌المللی قرار نگرفته است. به هر حال به دلیل وجود مشکلات و چالش‌های مذکور، ترسیم یک چشم‌انداز روشن و همراه با موفقیت برای مسئولیت حمایت دشوار است، اگر همچون دبیرکل سازمان ملل متحد فرض گرفته شود، مسئولیت حمایت در آغاز راه باشد و تحقق کامل آن به‌عنوان یک آرزو و نه واقعیت شناسایی شود، بنابراین می‌توان امیدوار بود که در آینده با رفع چالش‌های مذکور و همچنین دیگر ابهامات مفهومی این نظریه از یک سو و بازنگری در نقش نهادهای تصمیم‌گیرنده و مجری در زمینه مسئولیت حمایت با هدف تقویت نقش مؤثر این نهادها در این خصوص از سوی دیگر، شاهد موفقیت نظریه مسئولیت حمایت بود.

منابع

الف - فارسی

کتاب‌ها

- سرتیپی، حسین، (۱۳۸۶)، *مداخله بشردوستانه از تئوری تا عمل*، زیر نظر حسین موسویان، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- فلسفی، هدایت‌الله، (۱۳۹۴)، *صلح جاویدان و حکومت قانون: دیالکتیک همانندی و تفاوت*، تهران: فرهنگ نشر نو.
- نجفی اسفاد، مرتضی، (۱۳۹۲)، *جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱ (مجموعه مقالات در تجلیل دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی)*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

مقاله‌ها

- زمانی، قاسم، نوری، وحید، (۱۳۹۱)، «بحران غزه در ترازوی دکترین مسئولیت حمایت»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال چهارم، شماره ۳.
- زمانی، قاسم، زمانیان، سورنا، (۱۳۹۵)، «جایگاه دکترین مسئولیت حمایت در بحران سوریه»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۶، شماره ۳.
- سواری، حسن، حسینی بلوچی، مهدی، (۱۳۹۰)، «نظریه مسئولیت حمایت از حرف تا عمل»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال سیزدهم، شماره ۳۲.
- قادری، محمد هادی، قربان‌نیا، ناصر، (۱۳۹۲)، «دکترین مسئولیت حمایت و تلاش برای مقابله با فجایع انسانی»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال پنجم، شماره ۱.
- وکیل، امیر ساعد، (۱۳۹۰)، «وضعیت دارفور و غزه؛ میدان آزمون نظریه مسئولیت حمایت»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، سال سیزدهم، شماره ۳۲.

سایت اینترنتی

- انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، «گزارش نشست ویژه هفتادمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد: «شورای امنیت در برزخ میان ضرورت اقدام مؤثر و لزوم تعریف و رعایت حکومت قانون»»، ۱۳۹۵/۱/۱۷، قابل دسترس در:

ب- انگلیسی

Books

- Bellamy, Alex J, (2009), *Responsibility to Protect: The Global Effort to End Mass Atrocities*, Cambridge: Polity Press.

- Konig, Doris & et al, (2007), *International Law Today: New Challenges and The Need for Reform?*, Berlin: Springer.

Articles

- Axworthy, Lloyd & Allan Rock, (2009), "R2P: A New and Unfinished Agenda", *Global Responsibility to Protect*, No. 1.

- Axworthy, Lloyd, (13 May 2008), "It's Time to Intervene", available at: <http://www.canada.com/ottawacitizen/news/opinion/story.html?id=6e73a06d-f95e-40e4-8eca-28a039e1f99a&p=2>.

- Badescu, Cristina G. & Linnea Bergholm, (2009), "The Responsibility to Protect and the Conflict in Darfur: The Big Let-Down", *Security Dialogue*, Vol. 40, No.

-Bellamy, Alex J, (2010), "The Responsibility to Protect—Five Years On", *Ethics & International Affairs*, Vol. 24, No. 2.

-Bellamy, Alex J, (2011), "Libya and the Responsibility to Protect: The Exception and the Norm", *Ethics and International Affairs*, Vol. 25: No. 3.

-Bellamy, Alex J & Sara E. Davies, (2009), "The Responsibility to Protect in the Asia-Pacific Region", *Security Dialogue*, Vol. 40, No. 6.

-Bellamy, Alex J. & Paul D. Williams, (2011), "The New Politics of Protection? Côte d'Ivoire, Libya and the Responsibility to Protect", *International Affairs*, Vol. 87, Vol. 4.

-Benner, Thorsten, (March 2013), "Brazil as a Norm Entrepreneur: the "Responsibility While Protecting" initiative", Global Public Policy Institute (GPPI), available at: http://www.gppi.net/fileadmin/media/pub/2013/Benner_2013_Working-Paper_Brazil-RWP.pdf.

- Davis, Jeff, (22 May 2008), Myanmar's Envoy Dismisses Calls for R2P, Embassy: Canada's Foreign Policy Newsweekly, available at: <http://www.cigionline.org/articles/2008/05/myanmars-envoy-dismisses-calls-r2p>.

-Evans, Gareth, (2008), "The Responsibility to Protect: An Idea Whose Time Has Come . . . and Gone?", *International Relations*, Vol. 22: Vol. 3.

-Evans, Gareth, (25-28March 2009), "The Responsibility to Protect in Environmental Emergencies", Proceedings of the Annual Meeting (American Society of International Law), Vol.103, available at: <http://www.crisisgroup.org/en/publication-type/speeches/2009/the-responsibility-to-protect-inenvironmentalemergencies.aspx>.

-Evans, Gareth, (31 January 2012), "Disquiet over Libyan "Win" Syria's Loss", The Australian (Sydney), available at: <http://www.theaustralian.com.au/news/world/disquiet-over-libyan-win-syrias-loss/story-e6frg6ux-1226257668993>.

-Fiott, Daniel, (2008), "The Responsibility-to-Protect': Sovereignty, Political Will and Capabilities", *ISIS Europe, European Security Review*, No. 39.

-Focarelli, Carlo, (2008), "The Responsibility to Protect Doctrine and Humanitarian Intervention, Too Many Ambiguities for a Working Doctrine", *Journal of Conflict and Security Law*, Vol.13, No.2,

-Haacke, Jürgen, (2009), "Myanmar, the Responsibility to Protect, and the Need for Practical Assistance", *Global Responsibility to Protect*, No. 1.

-Luck, Edward C, (25-28March 2009), "Environmental Emergencies and the Responsibility to Protect: A Bridge Too Far?", *Proceedings of the Annual Meeting (American Society of International Law)*, Vol. 103.

-Magnuson, William, (2010), "The Responsibility to Protect and the Decline of Sovereignty: Free Speech Protection under International Law", *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, Vol.43: No. 255.

-Morris, Justin, (2013), "Libya and Syria: R2P and the Spectre of the Swinging Pendulum", *International Affairs*, Vol. 89: No. 5.

-Pattison, James, (2011), "The Ethics of Humanitarian Intervention in Libya", *Ethics & International Affairs*, Vol.25. No. 3.

-Raffelseder, Judith, (June 2011), "The Challenges and Limitations of R2P's Applicability in the Aftermath of the Natural Disaster in Myanmar", *University of Tilburg: Master International and European Public Law (accent on Human Rights Law)*, available at: <http://arno.uvt.nl/show.cgi?fid=114792>.

-Rieff, David, (7 November 2011), 'R2P, RIP', *The New York Times (New York)*.

-Stahn, Carsten, (2007), "Responsibility to Protect: Political Rhetoric or Emerging Legal Norm?", *The American Journal of International Law*, Vol. 101, No. 1.

-Serrano, Mónica, (2011), "The Responsibility to Protect and its Critics: Explaining the Consensus", *Global Responsibility to Protect*, No. 3.

-Thakur, Ramesh, (2013), "R2P after Libya and Syria: Engaging Emerging Powers", *Washington Quarterly*, Vol. 36: No. 2.

-Thakur, Ramesh, (2012), "Emerging Powers and the Responsibility to Protect after Libya", *Norwegian Institute of International Affairs (NUPI) Policy Brief*, issue.15, available at: mercury.ethz.ch/serviceengine/Files/ISN/.../PB-15-12-Thakur.pdf.

-Thakur, Ramesh, (20 May 2008), "To Invoke or not to Invoke R2P in Burma", available at: <http://www.hindu.com/2008/05/20/stories/2008052054140800.htm>.

-Weiss, Thomas G, (2011), "RtoP Alive and Well after Libya", *Ethics & International Affairs*, Vol. 25, No.3.

-Welsh, Jennifer, (2009), "Implementing the "Responsibility to Protect", *Policy brief, Oxford Institute for Ethics, Law and Armed Conflict*, No.1.

- Wong, Jarrod, (2009), "Reconstructing Responsibility to Protect in the Wake of Cyclones and Separatism", *Tulane Law Review*, Vol. 84, No. 2.

-Zifcak, Spencer, (2012), "The Responsibility to Protect after Libya and Syria", *Melbourne Journal of International Law*, Vol.13, issue.1.

Documents

-United Nation Document. Press Release, SG/SM/7136, GA 9596, 20 September 1999.

-We the Peoples: the Role of the United Nations in the Twenty-first Century, Report of the Secretary-General, U.N. Doc. A/54/2000, 27 March 2000.

-U.N. Doc. A/59/565, 2 December 2004 .

-In Larger Freedom: Towards Development, Security and Human Rights for all, Report of the Secretary-General, U.N. Doc. A/59/2005, 21 March 2005.

-U.N. Doc. A/59/PV.87, 7 April 2005.

- U.N. Doc. A/RES/60/1, 24 October 2005.
- U.N. Doc. S/RES/1674, 28 April 2006.
- U.N. Doc. S/RES/1706, 31 August 2006.
- U.N. Doc. SG/SM/11701, 15 July 2008.
- Report of the Secretary-General, Implementing the responsibility to protect, U.N. Doc. A/63/677, 12 January 2009.
- U.N. Doc. A/63/PV.105, 14 September 2009.
- U.N. Doc. A/RES/63/308, 7 October 2009.
- U.N. Doc. Press Release SG/SM/13454, 18 March 2011.
- U.N. Doc. A/66/551-S/2011/701, 11 November 2011.
- U.N. Doc. S/RES/1970, 26 February 2011.
- U.N. Doc. S/RES/1973, 17 March 2011.
- U.N. Doc. S/2011/612, 4 October 2011
- U.N. Doc. S/PV.6520, 21 April 2011.
- U.N. Doc. S/PV.6524, 27 April 2011.
- U.N. Doc. S/PV.6627, 4 October 2011.
- U.N. Doc. A/66/551-S/2011/701, 2011.
- Report of the United Nations Mission to Investigate Allegations of the Use of Chemical Weapons in the Syrian Arab Republic on the alleged use of chemical weapons in the Ghouta area of Damascus on 21 August 2013, U.N. Doc. A/67/997-S/2013/553, 16 September 2013,
- U.N. Doc. S/RES/2118, 27 September 2013.
- U.N. Doc. S.RES/2235, 7 August 2015.
- Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Syrian Arab Republic, 5 Human Rights Council, February 2015
- Report of the Secretary-General, U.N. Doc. S/RES/2235, 14 December 2016.
- U.N. Doc. S/RES/2328, 19 December 2016.
- U.N. Doc. S/RES/2332, 21 December 2016.
- U.N. Doc. A/HRC/RES/S-25/1, 25 October 2016.
- ICISS, The Responsibility to Protect: Report of the International Commission on Intervention and State Sovereignty (Ottawa: International Development Research Centre, 2001.
- Letter from Ambassador Bolton on the Responsibility to Protect, 30 August 2005, available at: http://www.responsibilitytoprotect.org/files/US_Boltonletter_R2P_30Aug05%5B1%5D.pdf.
- A Conversation with Sergey Lavrov, Council on Foreign Relations, 24 September 2008, available at: <http://www.cfr.org/russian-federation/conversation-sergey-lavrov/p17384>.
- UN Doc. A/HRC/S-17/2/Add, Report of the Independent International

Commission of Inquiry on the Syrian Arab Republic, 23 November 2011 .

-UN Doc. Press Release, Statement by the UN Secretary General Special Adviser on the Prevention of Genocide, Francis Deng, and the Special Adviser on the Responsibility to Protect, Edward Luck, on the situation in Libya, 22 February. 2011.

-UN Doc. Press Release, Francis Deng and Edward Luck, “Special Advisers of the United Nations Secretary-General on the Prevention of Genocide, Francis Deng, and on the Responsibility to Protect, Edward Luck, on the Situation in Syria”, 21 July 2011.

- Rome Statute of the International Criminal Court, A/CONF.183/9 of 17 July 1998.

-Columbia Global Policy Initiative, Conference Report: Responsibility While Protecting, Implementation and the Future of the Responsibility to Protect, April 2015.

